



[چاپ]

نورالدین زرین کلک:

انیمیشن هنری سهل و ممتنع است

20 فروردین 1392 ه.ش

حجت الله مرادخانی

پژوهشگر و مدرس دانشگاه

ماهیت جذاب و ویژگی های منحصر به فرد هنر انیمیشن موجب شده تا محبوبیت آن در دنیا رشدی روزافزون داشته باشد. در کشور ما هم یکی دو دهه است که هنرمندانی در این زمینه مشغول به فعالیت هستند و چرخ های این رشته را به آرامی به حرکت درآورده اند. نورالدین زرین کلک استاد نام آشنای انیمیشن که بسیاری وی را پدر انیمیشن ایران می دانند از جمله هنرمندانی است که نخستین گام ها را در راه توسعه و ترویج این هنر برداشته است. موسس و مدرس اولین مدرسه انیمیشن ایران (۱۳۵۳)، موسس و مدرس دانشکده انیمیشن (۱۳۵۶- دانشگاه فارابی)، بنیانگذار انجمن فیلمسازان انیمیشن ایران (آسیفا ایران)، رئیس انجمن جهانی فیلمسازان انیمیشن (آسیفای بین الملل از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶) و بسیاری دیگر از موفقیت ها و عناوین دیگر داخلی و بین المللی از جمله دستاوردهای وی برای انیمیشن ایران می باشد. زرین کلک متولد 20 فروردین ماه 1316 در شهر مشهد است. وی معتقد است که ایده تمام انیمیشن هایی که تا کنون ساخته باهم متفاوت بوده، چرا که در هر فیلم خودش را در حکم یک شاگرد می داند که برای کسب تجربه ای نو به خلق اثر می پردازد. به مناسبت سالروز میلاد این هنرمند پیشکسوت سایت فرهنگ امروز گفت و گویی اختصاصی با وی انجام داده است که بی شک برای علاقمندان به این رشته حاوی نکاتی خواندنی است.

استاد زرین کلک با توجه به پیشینه انیمیشن در ایران و با اندکی تامل و مقایسه با دیگر کشورها می بینیم که این هنر در کشور ما نسبت به دیگر نقاط دنیا از سرعت رشد خیلی کندی برخوردار بوده و ما نسبت سطح اول سینمای انیمیشن در دنیای امروز فاصله زیادی داریم، به عنوان یکی از پیشکسوتان این رشته چه عواملی را برای این عدم توسعه بیان می کنید؟

من هم با این عقیده ی شما موافقم و باید بگویم که انیمیشن ما چندان مترقی نیست و این شرایط هم تحت تاثیر عوامل مختلفی شکل گرفته است. ببینید انیمیشن هنری سهل و ممتنع است، یعنی هم می شود گفت کار آسانی است و با یاد گرفتن تکنیک های آن می توان انیماتور شد. هم اینکه بسیار مشکل است زیرا اگر همه ی فنون آن هم رعایت شود، اگر آن جوهره ی خلاقیت در آن نباشد که خالق فیلم باید داشته باشد؛ فیلم، فیلم و فرد فیلم ساز نمی شود.

اما اگر بخواهم به طور کلی مشکلات عدم پیشرفت انیمیشن را در ایران تشریح کنم، باید بگویم در این ارتباط چند عامل مهم وجود دارد.

عامل اول؛ پشتوانه ی مالی است. متاسفانه در کشور ما معمولا آخرین ته مانده بودجه ها به هنر و آخرین ته مانده ی بودجه ی هنری به انیمیشن اختصاص می یابد! و علت آن هم این است که مدیران هنری به اهمیت والای این رشته توجه ندارند، در نتیجه تحت تاثیر این نوع نگرش زمینه ای هم برای ترقی این هنر نمی تواند شکل بگیرد.

عامل دوم؛ در انیمیشن به مبحث آموزش برمی گردد. ما در زمینه آموزش انیمیشن شرایط مطلوبی نداریم و حتی می شود گفت که فقیر هستیم. متاسفانه در سرزمین ما از اصحاب فن - به دلیل برخی اعمال سلیقه های شخصی/ دولتی/ خودسری - در آموزش به دانشجویان انیمیشن استفاده نمی شود و در عوض

از کشورهای بیگانه مثل روسیه، استاد انیمیشن به ایران دعوت می شود تا در دانشگاه های ما به زبان روسی انیمیشن تدریس کنند! و طرفه این که این تدریس ها توسط مترجمی برای دانشجویان به فارسی برگردانده می شود که خودش سینماخوانده است اما با انیمیشن مشکل دارد! طبیعی است که در چنین شرایطی نمی توان انتظار داشت که دانشجویان و هنرجویان انیمیشن از این کلاس ها چیزی یاد بگیرند .

عامل سوم؛ به نیروی انسانی و افراد برمی گردد. در مقایسه با خیلی از کشورها که شخصا در آنها فعالیت داشته ، کار کرده و انیمیشن تدریس کرده ام ، هنرجویان جوان ما از استعداد و خلاقیت خوبی برخوردار هستند یعنی ما از نظر نیروی انسانی مستعد، در سطح مطلوب تری قرار داریم؛ اما باید دید که ما از این نیروی انسانی و ظرفیت بالای آنها در جهت توسعه و رشد انیمیشن به درستی استفاده کرده ایم؟! جواب این سوال منفی است و متأسفانه تا کنون ما از این ظرفیت غافل مانده ایم .

عامل چهارم؛ در بحث توسعه نیافتگی رشته انیمیشن در ایران؛ انیمیشن در کشور ما یک رشته نوپا و جوان محسوب می شود و به همین دلیل به حمایت بیشتری نیاز دارد. این حمایت ها، هم در زمینه های مالی و هم در آموزش های پایه باید خیلی جدی گرفته شود تا در بلند مدت بتوان انتظار داشت که این رشته به توسعه ای درخور و شایسته دست پیدا کند.

شما در صحبت هایتان به آموزش پایه اشاره کردید، مبحثی که در دنیای امروز از پارامتر های اصلی در امر توسعه به حساب می آید، در انیمیشن این آموزش پایه باید به چه صورتی انجام گیرد تا به نتایج مطلوبی منتج گردد؟

آموزش انیمیشن را خیلی قبل از دانشگاه و از مدارس متوسطه وحتا ابتدائی باید آغاز کرد. بنده در مقاطع مختلف تحصیلی و آموزش عالی به تدریس انیمیشن پرداخته ام و بر اساس تجارب بدست آمده در مقطع های مختلف به این نتیجه رسیده ام که برای توسعه انیمیشن در ایران باید آموزش و حمایت از آن را از مقاطع پایه و مدارس ابتدایی آغاز کنیم. در چنین حالتی است که می توان انتظار رشد و ترقی برای این رشته داشت. انیمیش به دلیل ویژگی های ذاتی که دارد برای کودکان و نوجوانان بسیار جذاب است و کودکان رویاهای خودشان را در انیمیشن پیدا می کنند و اگر برای صدمین بار یک فیلم را ببینند باز آن را از بار اول بیشتر دوست می دارند؛ بنا بر این چرا باور نکنیم که اولین بذر های عشق به انیمیشن ساز شدن را باید در کودکی در دلشان بکاریم؟ بچه ها انیمیشن را به هر شکلش - حتا شکل بد و زشتش - دوست دارند. آیا این پتانسیل بسیار عظیمی نیست که به تدریج ما آن را بی اثر و حتا خاموش می کنیم؟ میزان علاقه ی نوجوانان و جوانان به انیمیشن حتا برای استادان و حرفه ای ها حیرت آور و غیر قابل باورست و من فکر می کنم اگر به همه فرصت بدهند شاید از هفت میلیارد جمعیت دنیا، هفت میلیاردشانیماتور شوند! هرچند در این مسیر کار شش و نیم میلیاردشان -از سختی کار - و از باقی مانده نود در صد شان بخطر بی درآمدی ریزش کنند!

این به نظر شما شوخی می آید؛ اما من جدی میگویم. منهای شوخی، تعداد عاشقان انیمیشن در همه ی دنیا به راستی قابل توجه است. حال اگر این آشنایی از سنین ابتدایی صورت گیرد، فکر کنید چه میزان از این استعدادها در بزرگ سالی می توانند انیماتورهای برجسته ای شوند.

استاد زرین کلک شاید برای خیلی از علاقمندان به انیمیشن جالب باشد که بدانند آن زمینه ای که موجب شد شما به عنوان یکی از پیشگامان این رشته وارد عرصه انیمیشن شوید، چه بوده است؟

در حقیقت این سوال، اشاره به ابتدای تاریخچه انیمیشن در ایران دارد. سال 1345 اولین جشنواره فیلم های کودکان و نوجوانان شروع به فعالیت کرد و تا سال 1357 هم ادامه داشت. در آن دهه که این جشنواره برگزار می شد یکی از مهمترین بخش های آن، فیلم های انیمیشنی بود که از اروپا و آمریکا و روسیه و اقمارشوروی شرکت می کردند و در بین این آثار رقابتی جدی میان فیلم های "ارزشی" وجود داشت. آثاری که عموماً گرایش هایی انسانی، اجتماعی، آزادیخواهانه و عدالت خواهانه داشتند و بسیار هم تاثیرگذار بودند. ما هم که آن دوره در سنین جوانی بودیم از مخاطبان جدی این فستیوال بودیم و هر سال مشتاقانه منتظر برگزاری آن می شدیم. در این فستیوال، انیمیشن های بلند مثل والت دیسنی نمایش داده نمی شد و اگر هم نمایش داده می شد در بخش های جنبی جشنواره به نمایش درمی آمد. علتش این بود که هم افرادی که این فیلم

ها را انتخاب می کردند و هم مخاطب های آنها، قشر فرهیخته ی جامعه بودند که علاقمند بودند انیمیشن های هنری را ببینند (پاترویج کنند) تا آثار تجاری. بنابراین کارهای بسیار خوبی به ایران می آمد و یک فضای پویا و پوی هیجان را در مدت برگزاری جشنواره ایجاد می کرد که تا سال بعد دوام داشت. در سال های اولیه ی برگزاری جشنواره، کانون پرورش فکری درصد برآمد تا خود به ساختن فیلم به مفهوم عام و بعد به فیلم های انیمیشن بپردازد. در همان ایام فیلمسازانی مثل بهرام بیضائی، ناصر تقوایی، عباس کیارستمی و امیر نادری با ساخت فیلم های کوتاه و میانه، سینمای زنده را در کانون آغازیدند و چون در آن زمان من به عنوان تصویرگر کتاب کودک با کانون همکاری می کردم و کتاب های من جوایز گرفته بود، کانون مرا نامزد کرد تا انیمیشن را راه اندازی کنم. به همین منظور مقدمات تحصیل من در رشته انیمیشن مهیا شد و فرصتی ایجاد شد تا در سال 1348 در آکادمی هنرهای زیبای بلژیک و در رشته انیمیشن به تحصیل بپردازم. مدت آن دوره تحصیلی سه سال بود؛ اما چون من پیش از ورود به آکادمی، تجربه ی تصویر سازی و طراحی و نقاشی داشتم در مدت زمان کمتری دوره را به پایان رساندم و تکنیک ها و شیوه های تولید انیمیشن را فراگرفتم. پس از آن هم فعالیت را در زمینه ساخت انیمیشن در ایران و آموزش این رشته به دانشجویان شروع کردم.

یکی از تقسیم بندی های کلی در انیمیشن بحث انیمیشن های هنری و انیمیشن های تجاری است، علت اینکه شما در دوران فعالیت هنری تان بیشتر به تولید انیمیشن های هنری گرایش داشته اید چه بوده است؟

این پرسش دو جواب دارد؛ یکی اینکه من از همان ابتدا در طی همان فستیوالی که قبلا اشاره کردم با انیمیشن های هنری آشنا شدم زیرا آثاری که در آن فستیوال ارائه می شد اساسا در حوزه انیمیشن های غیر هنری قرار نداشتند. علت دیگر این موضوع هم به علایق فردی من باز می گشت. چون انیمیشن بهترین ابزاری بود که توسط آن عقاید خودم را بیان کنم (هنوز هیچ کس تمام ابعاد فیلم های مرا به درستی و کمال بررسی نکرده است و عقاید انتقادی ام در حکومت قدیم هنوز کشف نشده مانده است!) (بگذارید همین جا یکی دو اشاره بکنم: در فیلم "امیر حمزه دلدار" هیچ صاحب نظری - و نومید کننده تر از همه دوستان متعهد/منتقد سینمایی- در نیافتند آن دیو بدکاره کدام شخصیت سیاسی روز بود - اما به خاطر شراب خوردن همان دیو - از چشم آقایان ملعون- فیلم را تا امروز درحسب نگه داشته اند!!-) ، همچنین است طنز انتقادی ای که سرتاسر فیلم "تداعی" از آن انباشته است چه فرهنگی و کشوری را نشانه گرفته است؟ همین شبیخون فرهنگی که امروز بعد از چهل سال از عمر آن فیلم، از من یادگرفته، اما به نام خود فریاد میزند) ؛ با چینی دیدگاه ی، من بیشتر به سوی تولید انیمیشن های هنری سوق پیدا کردم. مضافا اینکه در آن دوره که ما وارد عرصه انیمیشن شدیم نه کانون پرورش فکری اساسا نیت تولید انیمیشن های تجاری را داشت و نه من.

استاد زرین کلک به عنوان یک پیشگام صاحب سبک در انیمیشن، در پایان این گفتگو چه صحبت و توصیه ای برای جوانان و علاقمندان به این رشته دارید؟

من حال جوانان علاقمند به انیمیشن را درک می کنم. این جوانان مثل آن تشنه گانی هستند که در بیابان به دنبال آب می گردند. اگر نه همه ؛ اما بسیاری از این جوانان توانایی بالایی داشته و با آموزش اصولی می توانند فیلم های خوبی بسازند. امیدوار نیستم اما آرزومندم روزی روزگاری برسد که با سرمایه گذاری و برنامه ریزی های درست زمینه ی لازم برای شکوفایی استعداد های جوان فراهم آمده و هنر انیمیشن در کشور ما به رشدی دست یابد که از فرزندان خود شرمساری نکشد و تا ابد، از بی ذوق ترین کشور ها "اشغال انیمیشن" وارد نکند. به امید آن روز....